

گزارش میدانی «شهرود» از وضعیت مردم زلزله زده روستای «کلاتو» هرمزگان

# دار و ندارمان رفت، سرپناه می خواهیم



مدت هاست که به خاطر چشمانم نمی توانم کار کنم. زندگی خوبی نداشتم. هیچ پس اندازی ندارم. تمام دار و ندار و زندگی ام از دست رفت. هیچ پولی هم ندارم که بخواهم همه چیز را از نو بسازم. مانده ام در چادر و اگر هم سرم نبود، شاید الان زنده نبودم. چون او دستم را گرفت و کشید بیرون. وقتی زلزله آمد خواب بودم. خیلی وحشتناک بود. صدای ترسناکی شنیدم. زمین تکان می خورد. فریاد زدم خدایا به دادم برس

شب کوری دارد. شوهرم چندسال پیش فوت کرد و من را با بچه تنها گذاشت. زندگی همینطور برایم سخت بود، حالا دیگر با این وضعیت نمی دانم چطور می توانم ادامه دهم. مراقبت از پسرانم و زندگی در این شرایط واقعا برایم طاقت فرسا شده است. البته همسایه ها تنهایمان نمی گذارند و همیشه کنارمان هستند. هرکس هر کمکی از دستش برنیاید برایمان انجام می دهد، اما من دیگر پیر شده ام و نمی توانم خانه ام را از نو بسازم یا به دنبال کارهای ساخت خانه بروم. تنها چیزی که برای ما مهم است تا بتوانیم اینجا دوام بیاوریم، یک سرپناه است. چادر، کافی نیست. این گرما ما را از یاد درمی آورد. من حتی یک وسیله سالم هم برایم نمانده تا بتوانم از آن استفاده کنم. در این چندروز هم به جز کمک های هلال احمر و خیرین، مردم و اهالی هم کمک مان می کنند. ولی آنها خودشان هم زندگی شان نابود شده و کار زیادی از دست شان بر نمی آید. من واقعا نگران آینده هستم و اینکه روزهای بعدی را باید چطور سپری کنیم.»

## وضعیت طاقت فرسای پیرمردناینا

عبدالحمید، پیرمردی نایناست. مردی میانسال که به همراه همسرش زندگی می کرد و هنگام زلزله اگر همسرش دست او را نمی گرفت، زیر آوار می ماند؛ «مدت هاست که به خاطر چشمانم نمی توانم کار کنم. زندگی خوبی نداشتم. هیچ پس اندازی ندارم. تمام دار و ندار و زندگی ام از دست رفت. هیچ پولی هم ندارم که بخواهم همه چیز را از نو بسازم. مانده ام در چادر و اگر همسر نبود، شاید الان زنده نبودم. چون او دستم را گرفت و کشید بیرون. وقتی زلزله آمد خواب بودم. خیلی وحشتناک بود. صدای ترسناکی شنیدم. زمین تکان می خورد. فریاد زدم خدایا به دادم برس. من چشمانم نمی بیند. هر لحظه احساس کردم که الان چیزی روی سرم می افتد و می میرم. ولی حالا زنده ام، اما دیگر زندگی ندارم. همه چیز نابود شده و من هم ذره ای توان ندارم تا بتوانم دوباره زندگی ام را از نو شروع کنم. بچه های امدادگر هلال احمر کمک های زیادی به ما کردند و به دادمان رسیدند. ولی زندگی در این چادرها خیلی سخت است. امیدواریم که این کمک ها ادامه دار باشد. چون خیلی از ما اینجا وضعیت زندگی مان شبیه به هم است. وضعیت معیشتی مان خوب نیست.»

مسئولان، مردم و خیرین کمک می خواهیم. زندگی اینجا واقعا برای ما وزن و بیجه هایمان بسیار سخت و طاقت فرساست.»

## تشکر از اقدامات هلال احمر

احمد پسر نوجوانی است. او از زندگی سخت می گوید: «خانه ما پودر شده است. پدر و مادرم پیر و ناتوان هستند. زندگی برای آنها بسیار سخت شده است. البته هلال احمر و امدادگران کمک های بسیار زیادی به ما کردند. از همان روز اول به ما چادر دادند. حتی اقدامات درمانی هم انجام شد و اگر کسی حالش خوب نبود، فورا اقدامات لازم را انجام می دادند، اما باز هم نمی توانیم مثل قبل زندگی کنیم. شرایط بسیار سخت است و ما جایی برای زندگی نداریم.»

## روزگار سخت خاله شریفه

خاله شریفه، زنی است که سرپرست خانواده اش را به عهده دارد. او به همراه سه پسر معلولش در این روستا زندگی می کند. خانه و زندگی اش با خاک یکسان شده و در آن لحظه به تنهایی دست سه پسر معلولش را گرفته و از خانه بیرون کشیده، تازیر آوار نمانند. او نیز درباره وضعیت زندگی اش می گوید: «وقتی زمین لرزه اول آمد، بلافاصله دست صلاح، نادر و حمید را گرفتم. پسرانم جوانند، اما هر کدام یک نوع معلولیت دارند. یکی معلول جسمی است، دیگری معلول ذهنی و آن یکی هم معلولیت جسمی و هم

خانه ما پودر شده است. پدر و مادرم پیر و ناتوان هستند. زندگی برای آنها بسیار سخت شده است. البته هلال احمر و امدادگران کمک های بسیار زیادی به ما کردند. از همان روز اول به ما چادر دادند. حتی اقدامات درمانی هم انجام شد و اگر کسی حالش خوب نبود، فورا اقدامات لازم را انجام می دادند، اما باز هم نمی توانیم مثل قبل زندگی کنیم. شرایط بسیار سخت است و ما جایی برای زندگی نداریم

خانه را خریدیم. زندگی تازه مان را ساختیم و شروع کردیم. ولی حالا هیچ نداریم. ۶ ماه بیشتر نتوانستیم از زندگی جدید لذت ببریم. حالا مانده ایم و یک مشت خرابه. وقتی زمین لرزه اول آمد بلافاصله از خانه بیرون آمدیم. همراه پدر و مادر و خانواده هایمان، بیرون نشستیم. اصلا فکرش را نمی کردیم که زمین لرزه دوم با شدت بیشتری رخ دهد و زندگی مان نابود شود. فقط بیرون نشسته بودیم و منتظر ماندیم. تا اینکه زلزله دوم همه چیز را نابود کرد. زندگی مان از بین رفت. خانه ها آوار شدند. جلوی چشم مان زندگی مان از بین رفت. همه چیز نابود شد. حالا من باید چطور دوباره زندگی مان را از نو بسازم. چطور وسیله بخرم. از کجا پول بیاورم که دوباره یک زندگی را برای خودم و همسرم فراهم کنم.»

## اینجا زندگی واقعا سخت است

تیمور از روزگار سختی که در این چندروز پس از زلزله داشته اند، می گوید: «اینجا سیم کشی برق نیست. کولرها جواب نمی دهند. در چادرها نمی توانیم زندگی کنیم. اگر اینطور ادامه پیدا کند، همه مان تلف می شویم. هیچ کدام خانه و زندگی نداریم. اینجا فقط سه کانکس اختصاص داده اند. در صورتی که در این گرما نمی شود در چادر زندگی کرد. هوا خیلی گرم است. کولر و یخچال مان خراب شده است. حتی نمی توانیم آب خنک داشته باشیم. حتی برای سرویس بهداشتی هم باید در این گرما کلی راه

**نسرین مجتهدزاده** خرابی ها و آوارها در کلاتو کمتر از سایه خوش نیست. اینجا خانه ای سالم نمانده؛ اینجا هیچکس سرپناهی ندارد. روستای دورافتاده در ۲۰ کیلومتری سایه خوش که ۳۵ خانواده در آنجا زندگی می کنند. ولی حالا هیچکدام از آنها نه خانه ای دارند و نه وسیله ای برای زندگی؛ تا چشم کار می کند، سنگ، کلوخ، آهن پاره و خاک دیده می شود. اینجا روستاییان نفس می کشند، سالمند، اما سقفی بالای سرشان نیست. زندگی شان راروی ویرانه ها بنا کرده اند. روستاییانی که کله دارند از کم توجهی و امکانات کم برای زندگی؛ کمی کاسه و بشقاب و لباس و پتو از زیر آوارها بیرون کشیده اند و با چادرهایی که امدادگران به آنها اختصاص داده اند، روزگار می گذرانند. اما به سختی؛ آذوقه برایشان توزیع شده، اما سیم کشی برق نیست و کولرها در چادرها آنها را خنک نمی کند.

## روایت یک تازه داماد

روستای کلاتو روستای بسیار کوچکی است. تیمور یکی از همین روستاییان است که ۶ ماه پیش داماد شده بود. با تازه عروسی زندگی شان راد خانه جدید آغاز کرده بودند. کلی وسیله برای خانه شان خریده بودند. همه چیز نو بود، اما حالا آواران شان نداده و دنیاروی سراین تازه عروس و داماد خراب شده است. تیمور به «شهرود» می گوید: «با کلی سختی وسایل

استاندار هرمزگان در گفت و گو با «شهرود»:

## تا ۶ ماه آینده بخش عمده ای از خانه های زلزله زدگان را تحویل می دهیم



خانه ها و وسایل خانه ها وارد شده باشد، جبران خواهد شد. **تا زمانی که کار بازسازی خانه ها انجام شود، اقداماتی برای اسکان مردم صورت گرفته؟** همین کانکس ها محل اسکان موقت است. با توجه به اینکه کولر، حمام و دستشویی هم در حال تعبیه شدن است، اسکان خوبی محسوب می شود و خیلی بهتر از چادر است.

**در مورد بحث بیمه خانه ها توضیح دهید.** کارشناسان بیمه در اینجا مستقر شده اند و از هیأت مدیره شان نیز یک نفر در جلسه حضور داشت. بیمه تمام خانه های روستایی هرمزگان سه هفته پیش انجام شد. ما امیدوار بودیم که هیچوقت از آن استفاده نشود ولی به کار آمد. در حال حاضر نیز کارشناسان در حال ارزیابی هستند و تا سقف ۱۰۰ میلیون تومان اگر خسارتی به

• فکر می کنید چقدر زمان می برد تا ساختمان ها تحویل داده شوند و مردم بتوانند به زندگی عادی خود برگردند؟  
بیش از هزار واحد است. بخشی از توان ما الان درگیر دو سیل قبلی است. در زلزله قبلی هم مقداری از واحدها کارهای نازک کاریشان باقی مانده است. برای همین داریم کارها را تقسیم می کنیم تا همگی در اسرع وقت انجام شود. برنامه ما این است که بتوانیم تا ۶ ماه آینده بخش عمده ای از خانه ها را تحویل دهیم.  
• در تمام روستاها برنامه اقدامات به طور یکسان است؟  
روستاهای دیگر هم به همین منوال است. مثلاً روستای کلاتو در زلزله دوم و سوم به شدت آسیب دیده است. تمرکز زلزله دوم بیشتر روی آنجا بود. برای همین در همه روستاهایی که تخریب شدید داشتند، برنامه و اقدامات لازم انجام خواهد شد. در آن روستاها نیز کارهای بازسازی به زودی انجام خواهد شد.  
• به نظر شما حدوداً میزان خسارت این زمین لرزه چقدر بود؟  
بیش از هزار واحد تخریب شده است. حالا هر کدام را ضرب در ۳۰۰ میلیون کنیم، حدوداً ۳۰۰ میلیارد می شود.

مهدی دوستی، استاندار هرمزگان پس از برگزاری جلسه و بازدید از روستاهای زلزله زده، در روستای سایه خوش و در گفت و گویی با خبرنگار «شهرود» آخرین اقدامات لازم برای حادثه دیدگان و مردم زلزله زده را تشریح کرد:  
• چه اقداماتی پس از زلزله و در این چند روز صورت گرفته است و مردم الان در چه شرایطی قرار دارند؟  
ما چادرها را در کوتاه ترین زمان به کمک همه امدادگران و ارگان ها، برپا کردیم. توانستیم هفت هزار نفر را اسکان موقت دهیم. نگرانی مان گرمای هوا بود که بخشی از کانکس ها و کولرها رسیده و تعدادی هم نصب شده است. بقیه هم در حال نصب است. کولرها و سیم کشی برقی هایی هم که نصب شده قابل توجه است. ضمن اینکه عملیات آواربرداری بلافاصله پس از زلزله شروع شده و در حال انجام است. روز سوم زلزله نیز جلسه ای برای ساخت ساختمان ها و نقشه معماری آنها داشتیم که ان شاء الله به زودی انجام خواهد شد.